

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

محمد جعفری  
۲۲ جون ۲۰۱۸

## ولایت فقیه، بدعت و فرعونیت به نام دین

۱۰



محمد جعفری

### وجوه مختلف قسط

خداوند، در آیات متعددی از قرآن وجوه مختلف عدل و داد را تشریح کرده و اجرای آن را از مردم خواسته است تا جای شک و شبهه باقی نگذارد و حجت را بر همه تمام کرده باشد. در زیر به ترتیب بعضی از آیات و وجوه مختلف آن آورده می شود:

۱- خدای متعال، خطاب به پیامبری گوید: خداوند به کار زشت فرمان نمی دهد و کسانی که کارهای زشت را به خدا نسبت می دهند، نهی می کند و در مقابل مردم را به اجرای قسط فرمان می دهد:

قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ \* قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ

" بگو خداوند امر به فحشاء نمی کند، چرا در باره خدا چیزهایی را گویند که نمی دانید. بگو پروردگارم به دادگستری فرمان می دهد." (۱۰) به پیامبر هم فرمان داده شده است که میان مردم به عدالت رفتار کند. (۱۱)  
بنا بر این دادگری و عدالت امر و فرمان خدائی است و خداوند مردم را نیز آگاه می کند که بدانند، پیامبر جز رفتار به عدالت در بین آنان، راه دیگری ندارد.

۲- باز خطاب به مؤمنان، به آنان می فرماید که به عدل و داد قیام کنند و گواه بر اجرای آن باشند:

أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوِّمِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَ الْأَقْرَبِينَ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا  
"هان کسانی که ایمان آورده اید؛ بر پا دارنده عدالت باشید [به عدل و داد برخیزید]، طبق رضای خدا شهادت دهید، هر چند به ضرر خودتان یا پدر و مادرتان و خویشاوندانتان باشد، توانگر یا فقیر باشد و خدا به رعایت حال همه، از همه

شایسته تر است." (۱۲)، قسط به معنای عدل و داد و عدالت گستره است و قیام به قسط به معنای عمل به قسط و نگهداری آن است و مراد از قوامین بالقسط، "قائمین به قسط است" و قیام به آن آثار و خاصه ها و لوازمی دارد که خداوند یکی از آن را که شهادت بنا حق ندادن است، در آیتی که گذشت، بیان می کند، و مؤمنان را از شهادت دادن به ناحق سخت برحذر می دارد: اگر چه این شهادت به ضرر شخص خود یا پدر و مادر و خویشاوندان باشد و چه آنها فقیر و یا غنی باشند، و تأکید بر این امر می کند که مبادا به خاطر دلسوزی و ترحم و این قبیل امور شهادت به ناحق بدهند که خدا، خود به رعایت حال همه، از همه شایسته تر است.

۳- از خاصه های دیگر و یا نشانه های قیام کنندگان به قسط این است که به ظلم و ستم و یا بیدادگری عمل نمی کنند و لو با دشمنان خود باشد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوْمِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا ءَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَتَقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

" ای کسانی که ایمان آورده اید، برای خدا بر پا و استوار، بایستید. به عمل، گواه و بیانگر قسط باشید. دشمنی با قومی شما را بر آن ندارد که (حتی در حق دشمنان) از عدالت خارج شوید، عدالت شیوه کنید که به تقوی نزدیکتر است و از خدا پروا کنید که خداوند به آنچه می کنید آگاه است." (۱۳)

قرآن به صراحت به ایمان آوردن امر می کند که قیام کنندگان به قسط و گواهان به اجرای عدالت برای خدا باشید و دشمنی و یا کین قومی شما را وادار نکند که از راه عدالت و دادگستری خارج شوید و به ظلم و ستم گرائید.

۴- خداوند انکار آیات خود را به انکار عدالت نسبت می دهد و آنهایی که مردم و پیامبران و کسانی که به دادگستری و عدالت امر می کنند، را می کشند، آنان را به عذابی دردناک بشارت می دهد:

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِبَيِّنَاتٍ مِّنَ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيَّيْنَ بَعِيرٍ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ  
" به کسانی که آیات خدا را انکار می کنند و پیامبران را به ناحق می کشند، و کسانی را که امر به دادگستری می کنند، می کشند، را به عذابی الم انگیز بشارت ده." (۱۴)

نشانه دیگر عدالت، این است که عدالت از آیات الهی است و کسانی که، مردمانی را که به عدالت امر می کنند و به اجرای قسط می پردازند، می کشند، انکار کننده آیات الهی می شمرند و عذابی دردناک را به آنها بشارت می دهد و بدین خاطر است که مردم باید اداره زندگی خود را، خود در دست بگیرند و اجازه ندهند که زورمندان و قدرت پرستان، نیرو و امکانات خودشان را از خودشان بگیرند و بر آنها مسلط شوند و پذیرای ظلم و ستم شان کنند.

۵- قسط و عدالت پیمان الهی است و کسانی که بر پا دارنده آن هستند، به پیمان خداوند وفا می کنند.  
أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَ لَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَ بَعْدَ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَلَاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

" پیمان و سنجش را به داد بپردازید، هیچ کس را جز به مقدار توانائی اش تکلیف نکنیم و هر گاه سخنی گفتید به عدالت عمل کنید و لو [اصحاب دعوی] خویشاوند[شما] باشد؛ و به عهد الهی وفا کنید، خداوند شما را بدان توصیه کرده است شاید یاد آور شوید." (۱۵)

نکته بس مهم در این آیت "ایفاء به قسط" است که آن عبارت از عمل کردن به عدالت بدون اجحاف می باشد. آیت فوق، قسط را در مقیاس کوچک برای تک تک افراد یک جامعه و در مقیاس وسیعتر برای قوه قضائیه که بایستی به پیمان خداوند گردن نهند و میان دعوا های مختلف آحاد جامعه، در سخن و قضاوت به عدالت بین آنها رفتار کنند، اگر چه صاحبان دعوا از خویشاوند آنها باشند را تبیین می کند.

« اوفوا» که امر حاضر از باب "ایفاء" است به معنای این است که بایستی حق هر کسی، تمام و کمال داده شود و این پیمان و عهد خداوند است.

۶- در همین رابطه، باز قرآن کسانی را که حق مردم را تمام و کمال نمی دهند، به کسانی تشبیه می کند که در زمین فتنه و فساد بر پا می کنند و باز روشن است که عاملین فساد، در روی زمین، مستبدین و زورپرستان و قدرتمداران و حافظین آن هستند.

از خاصه دیگر قائمین به قسط، فساد نکردن در جامعه، و مخالفت با کسانی است که مانع برقراری قسط و عدالت هستند که آنها عامل فساد و قدرت پرستی هستند.

وَيَوْمَ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَتَعَدَّوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ  
" ای قوم من پیمانه و ترازو را دادگرانه، تمام و کمال دهید و به مردم اجناسشان را کم مدهید و در زمین فتنه و فساد بر پا نکنید." (۱۶)

۷- داوری بین دشمنان نیز باید، با عدالت و قسط و انصاف همراه باشد.  
سَمْعُونَ لِلْكَذِبِ أَكْلُونَ لِّلْسَخْتِيفِينَ جَاءُوكَ فَأَحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرَضَ عَنْهُمْ إِنْ تَعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَأَحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الْمُقْسِطِينَ

"[کسانی که] پذیرا و شنوای دروغ و رشوه خواری هستند، پس اگر به نزد تو آمدند، در میان آنان داوری کن، یا از آنان روی بگردان و اگر از آنان روی گردان شدی، بدان که هر گز به تو زیانی نخواهند رسانید؛ و چون [عزم] داوری کردی، در میان آنان به عدالت داوری کن، که خداوند دادگران را دوست دارد." (۱۷)

نظر به اینکه عدالت و قسط، خود میزان و معیار است، خداوند به پیامبر دستور می دهد، با دشمنان یهودی و نصاری خود با وجودی که رشوه و حرام خواری می کنند، اگر خواستی بینشان داوری کنی، باید با عدالت و داد بین آنان داوری کنی، چرا که نظام جهان بر عدالت است و خداوند عدالت پیشگان را دوست می دارد. آگاه باش؛ که داوری کردن با عدالت و دادگری بین مردم، نه به عمل آنان ربط پیدا می کند و نه به دین آنان. میزان بایستی بین همه مردم صرف نظر از دین و عملشان رعایت بشود.

۸- خاصه دیگر قوامین به قسط، این است که امر به صلح و اشتی می دهند و از تعدی و تجاوز به دیگران جلوگیری می کنند و اگر میان دو طایفه و یا دو کشور، تجاوزی واقع شد، آنان را به سوی امر خداوند که عدالت و دادگستری است باز می گردانند:

وَ إِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَت إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنَّ فَاتٍ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الْمُقْسِطِينَ

" و اگر دو گروه از مؤمنان با هم در افتند، میان آنان سازش دهید، و اگر یکی از آنها بر دیگری تعدی کرد، پس با آن که تعدی پیشه کرده است کار زار کنید، تا آن که به سوی امر الهی باز آید و اگر باز آمد، آنگاه میان آنان دادگرانه سازش دهید و به داد بکشید که خداوند دادگران را دوست دارد." (۱۸)

به عدالت اصلاح کنید یعنی این که دائماً و در همه امور عدالت را رعایت کنید. چون عدالت میزان است، خداوند هم عدالت گستران را به خاطر عدالتشان و گستردن آن دوست می دارد.

۹- از خاصه دیگر قسط و عدالت که مادر همه خاصه های دیگر است، این که عدالت خود میزان و معیار همه امور است. کم و کاستی در میزان، طغیان و تجاوز به حقوق دیگران است.

وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ \* أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ \* وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ

" و آسمان را بر افراشت و معیار و میزان مقرر داشت. که در سنجش سرکشی [تجاوز به حقوق دیگران] نکنید. و سنجش را به پادارید و در سنجش کم و کاستی نیاورید." (۱۹)

" و وضع میزان" وسیله ای است که به وسیله آن هر چیزی را با آن می سنجند و اندازه می گیرند. به عبارت دیگر یعنی این که خداوند عدالت را در بین شما به عنوان میزان بر قرار کرد، تا مساوات را میان همه اشیاء بر قرار سازید و هر چیزی را در جای خودش، آن را به کار بسته، حق هر ذی حقی را بدرستی ادا کنید.

عدالت خود میزان است که توسط آن حق از باطل، راست از دروغ، عدل از ظلم، و فضیلت از رذیلت تمیز داده می شود و رسالت رسول خدا، همین است که از ناحیه پروردگارش چنین میزانی را بیاورد و به بشر عرضه بدارد و به پاداشتن و قیام به اجرای آن به عهده خود مردم نهاده شده است و بدین خاطر است که عدالت خود میزان است.

بدون بر قراری عدالت در جامعه، نظام امور مردم بدرستی بر قرار نمی شود و زندگی مردم در موقعیت نابرابر قرار می گیرد و عده قلیلی مسلط بر جان و مال مردم می شوند و اکثریت مردم زیر سلطه و دون انسان قرار می گیرند. در چنین جامعه ای امکان پرستش خدا بدرستی فراهم نمی گردد و پرستش نمادهای مختلف قدرت، حتی به صورت مسائل عبادی انجام می پذیرد و هدف از عبادت به دست آوردن نمادهای مختلف قدرت نظیر: مال و ثروت، مقام و ریاست، زیر دست داشتن، ثواب ذخیره کردن و... می شود.

۱۰- و برای این که به بشر اطمینان کامل داده شود که عدالت میزان است، خداوند، خود شهادت می دهد که همواره به عدل و داد قیام دارد.

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَانِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

" خدا، خود شاهد است بر این که معبودی جز او نیست، ملائکه و صاحبان علم نیز شهادت می دهند به یگانگی او و این که او همواره به عدل قیام دارد، معبودی جز او که عزیز و حکیم است وجود ندارد." (۲۰)

خدا در حالی که قائم به قسط است، شهادت می دهد بر این که معبودی جز او نیست و ملائکه و صاحبان علم که عبارت از پیامبران و جانشینان مستقیم آنان (امام بعد از پیامبر) و خود انسان در فطرت خویش نیز همین شهادت را می دهند که قسط و عدالت نزد خدا میزان و محک است.

نظر به این که قیامت و معاد، در عرض حیات دنیوی است، یعنی این که هر کسی در لحظه لحظه از حیات خویش در حال ساخت معاد خویش است و روشن است که جامعه ای که با موازین قسط و عدل اداره می شود، جامعه ای بهشتی است و هر فردی که در چنین جامعه ای زندگی می کند، به نسبت استعداد خود، اهل الله و داخل بهشت خداوند گردیده است. ستمگران و جباران و ظالمین و کسانانی که سد اجرای عدالت و گسترش آن می شوند، بداخل جهنم عمل خویش در غلتیده اند.

در جامعه ای که عدالت حاکم است و همه چیز بر موازین عدالت است، چنین حیاتی، حیات بهشتی است در چنین حیاتی که همه چیز سر جای خودش قرار می گیرد و عدالت حکمفرما است، عشق و پرستش خداوند، جای ستیز و مبارزه با یک دیگر را می گیرد و فضاء و فرصت استشمام عشق، به انسان به معنای درست کلمه دست می دهد. در چنین

فضائی، غایت قصوی انسان که خلیفه الهی است، جواز ورود به دریای بیکران رحمت حق و درک نشأی خداوند به انسان نسبی دست می دهد و برقراری چنین عدالت مطلق را خداوند در معاد کبیر برای بشریت برقرار می سازد.

۱۱- خداوند برای زودن شک و شبهه از کسانی که به کفر و تجاوزگری گام می نهند و به آزادی و حقوق مردم تجاوز می کنند به پیامبر تأکید می کند که راستی و عدالت مینای مشیت اوست است و این مشیت نزد او تغییر ناپذیر و کسی را هم یارای دگرگون کردنش نیست : **وَ تَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَتِهِ**

«و کلام پروردگار تو در راستی و عدالت به کمال رسیده است. هیچ کس نیست که یارای دگرگون کردن سخن او را داشته باشد» (۲۱)

خداوند به انسان گوشزد می کند که تجاوزگری به انسانها فراموش نشدنی است و به همین علت عدالت را معیار و میزان قرار داده است و برای تأکید به کسانی که خلاف راستی و عدالت عمل کرده و می کنند، خداوند می فرماید که قیام به قسط و بر پاداشتن عدالت میزان است و همه چیز با آن سنجیده می شود و خود نیز در قیامت با این معیار و میزان اعمال را می سنجد:

**وَ نَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَ كَفَىٰ بِنَا حَسِيبِينَ**

"ترازوی داد را در روز قیامت در میان نهیم و بر هیچ کس ستمی نرود و اگر عملی همسنگ دانه خردلی باشد آن را به حساب آوریم و ما خود حسابرسی را کفایت کنیم." (۲۲)

ادامه دارد

#### یادداشت ها:

- ۱۰- قرآن، سوره اعراف، آیت ۲۸ و ۲۹.
- ۱۱- قرآن، سوره شوری، آیت ۱۵؛ «**وَأْمُرْتَ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ**»
- ۱۲- قرآن، سوره نساء، آیت ۱۳۵.
- ۱۳- قرآن، سوره مائده، آیت ۸.
- ۱۴- قرآن، سوره آل عمران، آیت آل عمران، آیت ۲۱.
- ۱۵- قرآن، سوره انعام، آیت ۱۵۲.
- ۱۶- قرآن، سوره هود، آیت ۸۵.
- ۱۷- قرآن، سوره مائده، آیت ۴۲.
- ۱۸- قرآن، سوره حجرات، آیه ۹.
- ۱۹- قرآن، سوره الرحمن، آیت ۷ و ۸ و ۹.
- ۲۰- قرآن، سوره آل عمران، آیت ۱۸.
- ۲۱- قرآن، سوره انعام، آیت ۱۱۵.
- ۲۲- قرآن، سوره انبیاء، آیت ۴۷.